

دربارهٔ بیتی از انوری در ستایش حمیدالدین بلخی

الوند بهاری*

در دیوان انوری چند شعر در ستایش قاضی حمیدالدین بلخی آمده است. از مشهورترین آن‌ها قطعه کوتاهی است که انوری به مناسبت تصنیف مقامات حمیدی سروده و آن کتاب و نویسنده‌اش را ستوده است:

هر سخن کان نیست قرآن یا حدیث مصطفی
از مقامات حمیدالدین شد اکنون ترهات
اشک اعمی دان مقامات حریری و بدیع
پیش آن دریای مالامال از آب حیات
... از مقامات اگر فصلی بخوانی بر عدو^۱
حالی از نامنطقی جذر اصم یابد نجات

(انوری، ۱۳۷۶: ۵۲۳/۲)

موضوع این نوشته ضبط مصراع اول از بیت اخیر است. این مصراع را مصحح مقامات حمیدی، در مقدمهٔ آن کتاب، با وجود ارجاع به همین صفحه از همین چاپ دیوان انوری، به صورت «از مقامات تو گر فصلی بخوانم بر عدات» نقل کرده و در باب علت تغییر «عدو» به «عدات» توضیحی نداده است (انزایی‌نژاد، ۱۳۷۳: ۱۳).

باری، معنای هر دو مصراع روشن است؛ اما ربط آن‌ها چندان آشکار نیست. می‌دانیم که «جذر اصم» به جذری می‌گفته‌اند که حاصل آن را نتوان به شکل نسبت دو عدد صحیح نوشت (مقابل جذر «مُنطق» یا «گویا» که حاصل آن عددی صحیح یا نسبت دو عدد صحیح به یکدیگر است). پرسش این است که با خواندن مقامات حمیدی بر دشمن (عدو) چگونه جذر اصم قدر و قیمت می‌یابد و از گنگی می‌رهد؟^۲

مفهوم «جذر اصم» را انوری بارها، شاید بتوان گفت بیش از دیگر شاعران فارسی‌گوی، در تصویرسازی‌های خود به کار گرفته است (از جمله ر.ک: انوری، ۱۳۷۶: ۱/۸۴، ۱۷۴، ۳۱۹، ۳۵۳، ۴۳۸، ۴۶۲، ۴۷۳). موضوع اغلب این بیت‌ها نیز این است که زبان یا قلم ممدوح می‌تواند جذر اصم را چشم و گوش بخشد و از گنگی و کری برهاند:

کاکنون مزاج جذر اصم در محاورات
ده گوش و ده زبان چو بنفشه است و سوسنس
(۸۴/۱)

کلک تو جذر اصم را بشنوند از صماخ
هرچه بر شاخ خواطر از سخن پخته است و خام
(۳۱۹/۱)

چه قایلست صریرش که از فصاحت او
سخن پذیرد جذر اصم به گوش صمیم
(۳۵۳/۱)

سمع بگشاید ز شرح و بسط او جذر اصم
چون زبان نطق بگشاید به الفاظ دری
(۴۶۲/۱)

بیتی هم که موضوع بحث است مضمونی مشابه ابیات فوق دارد؛ اما در آن ربط «عدو» با «جذر اصم» روشن نیست. در یکی دیگر از قصیده‌های انوری (۱/۴۷۳) — که از قضا آن نیز شامل چند بیتی در ستایش قاضی حمیدالدین بلخی است — «جذر اصم» در کنار «عدد» به کار رفته است:

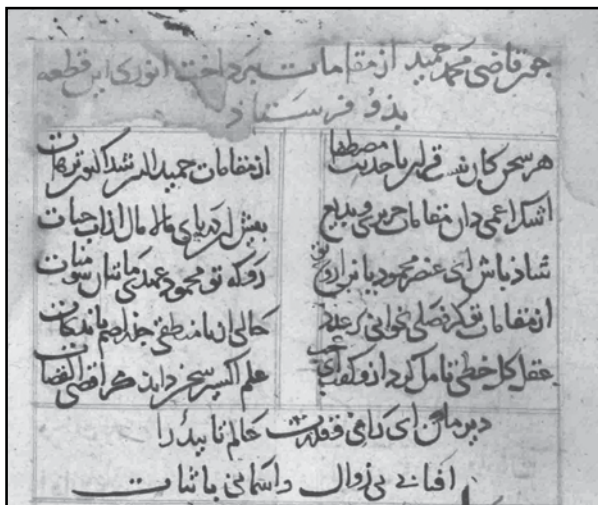
آن که گر آلائی او را گنج بودی در عدد
نیستی جذر اصم را غبن گنگی و کری
یعنی «خداوندی که اگر نعمت‌های او در اعداد می‌گنجید [،]

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه خوارزمی / Alvand.bahari@yahoo.com

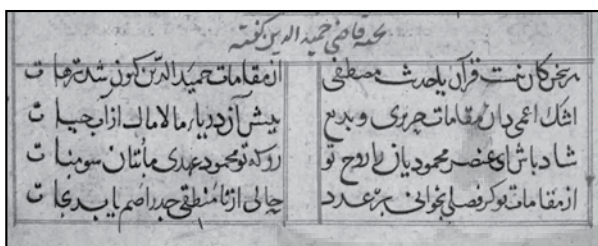
۱. نسخه بدل: «بی‌عدو».

۲. زنده‌یاد دکتر شهیدی (در شرح لغات و مشکلات دیوان انوری ایبوردی) و استاد دکتر شفیع کدکنی (در مفلس کیمیا فروش: نقد و تحلیل شعر انوری) نیز عمدتاً به شرح دشواری‌ها در قصیده‌های انوری پرداخته و این قطعه را در کتاب‌های خود نیاورده‌اند.





(نسخه ۱۲۶۰ سنه، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، برگ ۸۹ ر)



(نسخه ۱۳۵۰۳ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، برگ ۸۹ پ)

ضمن این که، در نسخه ۱۳۵۰۳، فتحه روی «م» در «نامنطقى» به خصوص با توجه به این که کاتب چندان در بند حرکت گذاری واژه ها نبوده است، می تواند قابل تأمل باشد. با این تفصیل، قدری عجیب به نظر می رسد که ضبط «بر عدد» — که حتی در نسخه بدل ها هم نشانی از آن نیست — در هیچ یک از نسخه های مبنای کار مدرس رضوی نیامده باشد. در هر حال، از آن جا که این شعر (مطابق ضبط مدرس رضوی) به منابع دیگر راه یافته است یادآوری ضبط صحیح آن شاید خالی از فایده ای نباشد.

از برکت آن، جذر اصم که عددی است گنگ و نامعلوم از این عیب می رست و معلوم می گردید» (شهیدی، ۱۳۷۶: ۵۱۵ و ۵۱۶). با استفاده از این بیت می توان بیت مورد بحث را نیز، به جای «عدو»، با «عدد» خواند:

از مقامات اگر فصلی بخوانی بر عدد
حالی از نامنطقى جذر اصم یابد نجات

به این ترتیب، ربط میان دو مصراع نیز روشن تر می شود؛ اعداد با شنیدن مقامه های حمیدالدین چنان قدر می یابند که جذر اصم نیز، در لحظه، از نامنطقى به در می آید و «گویا» می شود (یعنی در زمره اعداد صحیح جای می گیرد). گفتنی است که این مصراع در سبک شناسی بهار نیز چنین آمده است:

از مقامات تو گر فصلی بخوانم بر عدد (بهار، ۱۳۳۷، ۲/ ۳۳۳)

و چون بهار، برخلاف اغلب مواردی که روی به تصحیح قیاسی آورده، درباره ضبط این مصراع توضیحی نداده است می توان نتیجه گرفت که این مصراع در نسخه ای از دیوان انوری که او در اختیار داشته (احتمالاً یکی از چاپ های سنگی هند یا ایران) با همین ضبط آمده بوده است.

برای تفحص بیشتر، می توان نسخه های خطی دیوان انوری را بررسی کرد. در میان نسخه های موجود در کتابخانه مجلس دو نسخه کهن از دیوان انوری هست؛ یکی نسخه ۱۲۶۰ سنه، در ۱۳۳ برگ، که «اول و آخر این کهنه کتاب افتاده است» و زمان کتابت آن را سده هفتم دانسته اند (دانش پژوه و علمی انواری، ۱۳۵۹: ۱۹۵/ ۲) و دیگری نسخه شماره ۱۳۵۰۳، در ۱۷۱ برگ، مورخ ۶۸۰ هـ، که هر دو، ظاهراً، قدیم تر از نسخه هایی است که مبنای تصحیح مرحوم مدرس رضوی بوده است.^۴ نسخه اخیر شامل چند شعر نویافته (به ویژه تعداد زیادی رباعی) از انوری است.^۵ خوشبختانه متن این قطعه نیز در هر دو نسخه هست و مصراع مورد بحث، چنان که می بینیم، در هر دو نسخه با ضبط «از مقامات تو گر فصلی بخوانی بر عدد» آمده است.

۳. آگاهی از وجود این هر دو نسخه به لطف دوست فاضلم، علی صفری آق قلع، ممکن شد. فایل عکسی آن ها را نیز همو در اختیارم نهاد. لطفش را سپاسگزارم.
۴. کهن ترین نسخه تاریخ دار از منابع تصحیح مدرس رضوی مورخ ۷۰۸ هـ. است (نسخه ل) و یکی از نسخه های بی تاریخ (نسخه ک) را او، با قید «ظاهراً»، متعلق به قرن هفتم هجری و البته «بسیار مغلوط» دانسته است (مدرس رضوی، ۱۳۷۶: ۱۲۱ و ۱۲۶). به این ترتیب، هر دو نسخه سنا و مجلس کهن تر از نسخه هایی خواهد بود که او از آن ها بهره گرفته است.
۵. برای متن شعرهای نویافته ر.ک: محسن شریفی صبحی و مهدخت پورخالقی چترودی، «اشعار نویافته از انوری در نسخه ای کهن»، جستارهای ادبی (ادبیات و علوم انسانی سابق - دانشگاه فردوسی مشهد)، شماره ۱۷۹ (زمستان ۱۳۹۱)، صص ۱۹ - ۴۴.

منابع:

- انزابی نژاد، رضا، ۱۳۷۲، «پیشگفتار». ر.ک: حمیدالدین بلخی.
- انوری، محمد بن محمد، ۱۳۷۶، دیوان انوری، به اهتمام محمدتقی مدرس رضوی، چاپ پنجم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی (دو مجلد).
- بهار، محمدتقی [ملک الشعرا]، ۱۳۳۷، سبک‌شناسی (تاریخ تطور نثر فارسی)، چاپ دوم، جلد دوم، تهران: امیرکبیر.
- حمیدالدین بلخی، ۱۳۷۲، مقامات حمیدی، به تصحیح رضا انزابی نژاد، چاپ دوم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- دانش پژوه، محمدتقی و بهاء‌الدین علمی انوری، ۱۳۵۹، فهرست کتب خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی شماره ۲ (سنای سابق)، جلد دوم، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- شهیدی، سید جعفر، ۱۳۷۶، شرح لغات و مشکلات دیوان انوری ابیوردی، چاپ دوم، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- مدرس رضوی، محمدتقی، ۱۳۷۶، «مقدمه». ر.ک: انوری.
-

استدراک

- در ضمیمه شماره سه (ویژه‌نامه نقد) نشریه گزارش میراث، مطلبی با عنوان «ترویج الارواح» از محمدحسین حیدریان (صص ۸۲-۸۵) به چاپ رسیده که اغلاطی چند از نظر نگارشی در متن راه یافته است. این اشتباهات به صورت زیر استدراک و تصحیح می‌شود:
- ص ۸۳، ستون اول. ضبط صحیح عبارت «و هو فی بیئته سوء» است نه «و هو بیئته سوء».
- همان صفحه ستون دوم. شکل صحیح واژه «وامئة» است که در یک سطر به سه صورت مختلف «وامئة»، «وامئة» و «الوامئة» آمده است.
- ص ۸۴، ستون اول. صورت صحیح واژه «وسیع» است به جای «وسمیع».
- همان صفحه، همان ستون، شماره ۲. شکل صحیح واژه «لما» است به جای «لما». همچنین شکل صحیح واژه «الما»، «الما» می‌باشد.
- همان صفحه، ستون ۲، شماره ۷. شکل صحیح واژه «صنجة» است به جای «صنجة».
- همان صفحه و ستون، شماره ۸. ضبط صحیح واژه «جعد» است به جای «بعد». همچنین صورت صحیح عبارت «و امرأة جعد» است به جای عبارت «وامرة جعد».
- همان صفحه و ستون، شماره ۹. صورت صحیح واژه «وکیره» است به جای «وکیره».
- ص ۸۵، ستون اول، شماره ۵. صورت صحیح عبارت «(و پیرو آن در لسان)» به جای واژه مضبوط «ولسان» است.

